

اعتماد به همسر:

مطالعه موردی، زنان شهر تهران

خدیجه سفیری و مؤمنه میرزامحمدی

چکیده

با توجه به اهمیت ثبات، سلامت و گرم بودن کانون خانواده (به عنوان اصیل‌ترین نهاد اجتماعی) در سلامت جامعه و کاهش آسیب‌های اجتماعی آن، و از آنجایی که اعتماد ستون خانواده است و ثبات و آرامش خانواده در گرو اعتماد زوجین به یکدیگر می‌باشد، موضوع بررسی اعتماد به همسر برای این تحقیق انتخاب شد. در ضمن با توجه به حساسیت و اهمیت بیشتر این موضوع اعتماد به همسر در زمینه روابط جنسی، در نظر گرفته شد. هدف از بررسی شناخت میزان اعتماد به همسر در بین زنان تهرانی در زمینه روابط جنسی و عوامل مؤثر بر آن می‌باشد. به این منظور با استفاده از روش پیمایشی و با تهیه پرسشنامه، داده‌ها گردآوری شده‌اند. حجم نمونه ۲۸۰ نفر بوده است و از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای (طبقه‌ای و تصادفی سیستماتیک) استفاده شده است.

پردازش داده‌ها در سه سطح توصیف، تحلیل دو متغیره، و تحلیل چند متغیره و تحلیل مسیر انجام شد. برای سنجش میزان اعتماد به همسر از شاخص‌های صداقت، صراحت، وفاداری، حسن ظن، احساس امنیت و احساس رضایت عاطفی استفاده شد. سپس، روایی و پایایی این شاخص‌ها

تأیید شد. عواملی که با اعتماد به همسر در رابطه قرار گرفتند عبارت بودند از: ویژگی‌های فردی و همسر و روابط متقابل و زندگی مشترک.

یافته‌ها نشان داد که توزیع نمرات اعتماد به همسر پاسخ‌گویان در حدود نیمی کمتر از میانگین بود و رابطه معنادار بین متغیرهای پیشینه خانوادگی، اعتماد بنیادین، نوع دوستان همسر، زیبایی همسر، اقتدار در خانواده، شیوه‌گزینش همسر، میزان پابندی به تعهدات و انتظارات، معاشرت‌پذیری، مناجب‌سازی، احساس تعلق، میزان دلبستگی همسر نسبت به خانواده، فداکاری، نظم و پیش‌بینی‌پذیری رفتار همسر، همه‌جانبه بودن روابط، تقسیم کار خانگی، میزان شناخت همسر و مدت زمان تعامل روزانه با میزان اعتماد به همسر وجود دارد. سایر متغیرهای مستقل رابطه معناداری با میزان اعتماد به همسر نشان ندادند.

نتیجه‌ی تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر، متغیرهای پیش‌بینی کننده میزان اعتماد به همسر و همچنین اثرات مستقیم و غیرمستقیم هر یک از متغیرهای آنها را به شرح ذیل نشان داد:
ویژگی‌های روابط متقابل: ۰/۶۰، زیبایی همسر: ۳۰/۶-، قدرت در خانواده: ۲۱/۷۸-، نوع دوستان همسر: ۱۶/۶ و شکست در زندگی: ۰/۲۳-.

واژگان کلیدی: اعتماد، همسر، خانواده، ازدواج، روابط جنسی.

طرح مسئله

یکی از اصول اولیه زندگی اجتماعی اعتماد داشتن افراد به یکدیگر است. می‌توان گفت که چرخ‌های زندگی بر محور اعتماد و اطمینان افراد نسبت به همدیگر گردش می‌کند. توانایی شکل دادن به مناسبات مثبت اجتماعی بستگی به اعتماد دارد. اعتماد به دو فرد اجازه می‌دهد که روابط همکاری را با یکدیگر برقرار کنند، هنگامی که انجام آن برای هر دو طرف سودمند باشد. کلمن بر اعتماد به عنوان یک عامل سرمایه اجتماعی تأکید می‌کند زیرا با اعتماد کردن، روابط اجتماعی نتیجه‌ی مطلوبی را حاصل می‌نمایند. در این راستا او اهمیت خاصی برای چگونگی روابط میان افراد خانواده به عنوان «سرمایه اجتماعی داخل خانه» قائل است و موجودی سرمایه اجتماعی را منبعی بالقوه برای افراد خانواده در بدست آوردن منافعشان می‌داند و اشکال سرمایه اجتماعی را شامل روابط اقتدار، اعتماد و هنجارها دانسته است (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۵۹).

وقتی که بحث اعتماد را در محیط خانواده مطرح می‌کنیم، اهمیت آن دوچندان می‌شود. چون یکی از نهادهای اصیل اجتماعی کانون گرم خانوادگی است و اعتماد زوج‌ها نقش مهمی در حفظ و تداوم آن دارد. اصولاً هدف اساسی از ازدواج وصول به سکون و آرامش است و بدیهی است که این هدف وقتی تحقق می‌یابد که زن و مرد نسبت به یکدیگر اعتماد داشته باشند. بحث در این است که زن و شوهر باید در همه ابعاد زندگی خواه بعد مالی و یا بعد ناموسی به یکدیگر اعتماد داشته باشند تا بتوانند زندگی مشترک خانوادگی را اداره کنند (رشیدپور، ۱۳۷۸: ۳-۱۰۲).

به درستی هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند، چنانچه از خانواده‌هایی سالم برخوردار نباشد، باز بی‌هیچ شبهه هیچیک از آسیب‌های اجتماعی نیست که فارغ از تأثیر خانواده پدید آمده باشد (ساروخانی، ۱۳۷۹: مقدمه).

ما اعتقاد داریم که استحکام خانواده یکی از عوامل مهم توسعه است و تأکید بر خانواده می‌تواند مسائل مبتلا به توسعه را حل و فصل نماید.

اهمیت خانواده تا آنجا است که پرسال در کتاب "قدرت خانواده" نجات جهان را در گرو حفظ خانواده دانسته است: وظیفه شما برای دور هم نگه داشتن خانواده کاری است برای نجات جهانمان (پرسال، ۱۳۷۹: ۶۶۶).

در ایران نگرشی مثبت نسبت به خانواده وجود دارد... این نگرش مثبت امری عمومی و مطلوب است اما اطلاعات در مورد زندگی خانوادگی بسیار ناچیز است (اعزازی، ۱۳۸۰: پیشگفتار). باید اضافه نمود که ناچیزتر از آن اطلاعاتی است که در مورد روابط جنسی وجود دارد.

اطلاعات ما در مورد زندگی خانوادگی چقدر است؟ آیا زن و شوهرها به یکدیگر اعتماد دارند؟ آیا در خانواده‌ها آرامش وجود دارد یا جو بی‌اعتمادی زوجین نسبت به یکدیگر موجب سلب آسایش و آرامش آنها شده و در روند تربیت فرزندان آسیب‌های جدی وارد نموده است؟

آمارها نشان می‌دهند که میزان ازدواج در جامعه ما با وجود افزایش جمعیت در سال‌های اخیر آهنگ کندی پیدا کرده است. آیا علاوه بر دلایل اقتصادی و اجتماعی و...، عدم اعتماد به همسر یکی از دلایل کاهش ازدواج و افزایش طلاق در بین مردم نبوده است؟!

در خانواده‌هایی که بی‌اعتمادی و یا عدم وفاداری یکی از زوج‌ها دیده می‌شود ممکن است در نهایت کار به جدایی و طلاق و یا قتل منتهی نشود، ولی خانواده آرامش خود را از دست داده و جای امن و آسایش برای زوج و برای فرزندان نخواهد بود.

در اغلب موارد بی‌وفایی نقطه اوج عدم صمیمیت و بی‌صدافتی است. در این شرایط اگر کار به طلاق هم نکشد، بی‌وفایی رنجشی ایجاد می‌کند که ممکن است برای همیشه بر روابط زن و شوهر حاکم گردد. صرف نظر از اشکالات اخلاقی، بی‌وفایی و خیانت و عدم وفاداری به همسر به قدری در پیکره روابط نفوذ می‌کند که بر تصویر ذهنی همسر اثر می‌گذارد و می‌تواند روابط زندگی زناشویی را از هم بپاشد (بک، ۱۳۸۲: اینترنت).

همچنین در تحقیقی که توسط مرجان خلیلی با عنوان "تضاد در خانواده" با تأکید بر تضاد میان همسران و عوامل مؤثر بر آن در سال ۱۳۷۸ در دانشگاه الزهرا انجام شده است، میزان همبستگی انحرافات همسر با تضاد در خانواده ۰/۶۳۸۴ و میزان همبستگی بی‌اعتمادی و شک داشتن همسر نسبت به زن ۰/۲۰۱۶ بدست آمده است که هر دو نیز معنادار بوده‌اند (خلیلی، ۱۳۷۸).

این اشاره‌ها نشان می‌دهد مسائلی از این دست در خانواده‌ها وجود دارد که نیاز است در مورد آنها تحقیقاتی صورت بگیرد. فراهم کردن زمینه‌های شناخت این موضوع می‌تواند به استحکام خانواده‌ها کمک نماید.

بنابراین با توجه به اهمیت ثبات، سلامت و گرم بودن کانون خانواده (به عنوان اصیل‌ترین نهاد اجتماعی) در سلامت جامعه و کاهش آسیب‌های اجتماعی آن، و از آن جایی که اعتماد ستون خانواده است و ثبات و آرامش خانواده در گرو اعتماد زوجین به یکدیگر می‌باشد، موضوع بررسی

اعتماد به همسر انتخاب شد. بر اساس شرایط تحقیق اعتماد زنان به همسرشان در شهر تهران انتخاب شد. از آنجا که اعتماد زنان به شوهر در بعد عدم رابطه جنسی با دیگران بیش از سایر ابعاد اعتماد بر روی سلامت روابط خانوادگی مؤثر است لذا این بعد از اعتماد مورد بررسی قرار گرفت

اهداف تحقیق

یکی از اهداف این بررسی، دستیابی به اطلاعاتی در مورد میزان اعتماد به همسر در خانواده‌ها می‌باشد تا از روی آن بتوان به میزان ثبات و آرامش در خانواده‌ها پی برد. هدف دیگر آن بود که علل و عوامل مؤثر بر اعتماد به همسر چیست یا کدام یک از عوامل با اعتماد به همسر رابطه دارد؟

پرسش‌های پژوهش

- ۱- وضعیت اعتماد زنان به همسر در خانواده‌های تهرانی در زمان حاضر (سال ۱۳۸۳) چگونه است؟ (بعد توصیفی)
- ۲- علل و عوامل مؤثر بر اعتماد زنان به همسر در این خانواده‌ها چه چیزهایی هستند؟ (بعد تبیینی)

مفهوم اعتماد

از دیدگاه ریشه‌یابی لغات اعتماد و وثوق (Trust) معادل کلمه ایمان (Faith) یونانی مورد استفاده قرار گرفته است کلمه pistis (ایمان) از فعل pistis گرفته شده که در حالت متعددی، واداشتن و ترغیب به یک امر معنی می‌دهد و در حالت لازم، وثوق و توجه به کسی و اعتماد به او و اطاعت از او است. ریشه یونانی pistis و ریشه لاتینی Fid بسان برادران همزادند. بنابراین در ریشه کلمه Faith مفهوم وثوق و اعتماد و تسلیم در برابر اراده دیگری و اطمینان به شخص

دیگری مستتر است (اونامونو، ۱۳۷۰: ۲۴۷). در زبان فارسی اعتماد مترادف با تکیه کردن وا گذاشتن کار به کسی، اطمینان، وثوق باور و اعتقاد به کار گرفته می‌شود (معین، ج ۱، ۱۳۵۷: ۳۰۲). البته بعضی از اندیشمندان بین مفاهیم ذکر شده تمایز قائل شده‌اند و حدود هر یک را مشخص کرده‌اند. برای مثال به اعتقاد برخی در زبان فارسی مفهوم اطمینان عمیق‌تر و فراتر از مفهوم اعتماد است و اطمینان مترادف آرمیدن و آسودن، آسودگی خاطر و یقین به کار رفته است.

فرهنگ عمید : اعتماد : تکیه کردن، وا گذاشتن کار به کسی، آهنگ کردن / اطمینان: آرام گرفتن آسایش خاطر داشتن، خاطر جمعی / اعتماد : تکیه و پشت گرمی به چیزی یا به کسی.
اطمینان : ۱- از امری خاطر جمع بودن، یقین داشتن ۲- اعتماد: من به حرف‌های او اطمینان دارم.

فرهنگ معین : اعتماد : ۱- تکیه کردن بر کسی یا چیزی ۲- وا گذاشتن کار به کسی ۳- سپردن چیزی به کسی ۴- وثوق - اطمینان / اطمینان کردن: آرمیدن، آسودن، آرامش، آسایش داشتن.

فرهنگ لاروس : الاعتماد: پذیرش / اعتماد اعتماد : بر او توکل کرد.

تعریف کارکردی اعتماد- از نظر پارسونز «اعتماد» سیاسی به نتایجی نظیر مشروعیت می‌انجامد. به لحاظ روانشناسی وجود اعتماد باعث پیدایش آرامش، امنیت و سلامت روانی خواهد گردید. از نظر اجتماعی اعتماد پیش شرط عمده و کلیدی برای موجودیت (existence) هر جامعه‌ای محسوب می‌شود (Dunn، پورمحمدی، ۱۳۷۸).

تعریف «اعتماد به همسر» به آن صورت که در این تحقیق مورد نظر محقق بوده است، به صورت زیر می‌باشد:

اعتماد به همسر را می‌توان میزان حسن ظن فرد نسبت به همسر خود در خصوص عدم ارتباط جنسی با دیگران تعریف کرد که این امر موجب گسترش و تسهیل روابط صمیمی با یکدیگر و در نتیجه دوام زندگی خانوادگی آنها می‌شود.

با توجه به اینکه در این تحقیق اعتماد به همسر بیشتر در بعد روابط جنسی در نظر گرفته شده است، منظور از اعتماد به همسر در بعد روابط جنسی در اینجا این است که زن اطمینان داشته باشد که همسرش بجز او با فرد دیگری رابطه جنسی برقرار نمی‌کند.

خانواده، ازدواج و روابط جنسی

مطالعاتی که در خصوص فرهنگ و غریزه انجام شد، نشان داد که نزد انسان، غریزه در برابر هوش، کارکردی نمادی داشته و در برابر فرهنگ عقب نشسته و ضعیف شده است (رشه، ۱۳۶۷: ۱۳۷). بنابراین رفتارهای غریزی بین انسان و حیوانات تفاوت دارد. در انسان شیوهی ارضای نیازهای زیستی و نحوه برخورد با آنها، در میان- و در درون- فرهنگ‌های مختلف فرق دارد (گیدنز، ۱۳۷۳: ۶۱). آبرل و همکارانش این امر را جزو پیش‌نیازهای کارکردی هر جامعه می‌دانند و معتقدند که هر جامعه‌ای باید روش کارآمدی برای برقراری روابط جنسی داشته باشد.

گیدنز در بحث از جنسیت و تمایلات جنسی نتیجه می‌گیرد که بسیاری از تفاوت‌های میان زنان و مردان دارای منشأ زیست‌شناختی نیستند و بیشتر به تفاوت‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی در بین زنان و مردان مربوط می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۹: ۱۹۲).

همچنین گیدنز در بحث از تجاوز جنسی نتیجه می‌گیرد که ارتباط چندانی میان شهوت و تجاوز جنسی وجود ندارد و این امر را نتیجه میل جنسی لبریز شونده نمی‌داند، بلکه آن را نتیجه پیوندهای میان تمایل جنسی و احساس قدرت و برتری می‌داند (همان: ۲۲۱).

ازدواج، بنا به تعریف، امری فرهنگی است. چون همان‌گونه که استراوس معتقد است، ازدواج برخوردی است دراماتیک بین فرهنگ و طبیعت، یا میان قواعد اجتماعی و کنش جنسی (ساروخانی، ۱۳۷۹: ۲۳). که در این میان فرهنگ بر طبیعت پیشی می‌گیرد (همان: ۱۵۶).

به منظور پیدا کردن شناخت تاریخی اشکال برقراری روابط جنسی، می‌توان به مراحل تحول خانواده از دیدگاه مورگان و انگلس اشاره نمود. در نظریات این دو، اشکال برقراری روابط

جنسی از مبادلات جنسی بدون مانع و ممنوعیتی (هرج و مرج اولیه جنسی) تا برقراری روابط به صورت تک‌همسری، از آشکال پست‌تر به شکل عالی‌تر متحول شده است (میشل، ۱۳۵۴: ۹-۲۴).

چارچوب نظری

نظریه‌پردازان مبادله، نظریه‌پردازان مبادله که انسان را یک موجود سودجوی عاقل می‌انگارند، بر تبادل پاداش‌ها به عنوان عامل رفتار انسانی توجه دارند (ریتزر، ۱۳۷۴: ۹۲). هومنز تبادل پاداش‌ها را موجب استمرار کنش متقابل و در نتیجه بقای گروه می‌داند (همان: ۳۱-۴۲۷). با توجه به نظر او می‌توان گفت که تبادل پاداش‌های ناشی از عمل به اعتماد، موجب افزایش اعتماد می‌شود.

مبنای نظریه تبدلی هومنز را چهار قضیه موفقیت، محرک، ارزش و محرومیت-سیری تشکیل می‌دهد (همان: ۳۱-۴۲۷). اگر موضوع اعتماد به همسر در قالب فضایای هومنز بررسی شود، بر اساس قضیه موفقیت، به عنوان مثال، زن به شوهر اعتماد می‌کند و پاداشی که می‌گیرد، اعتماد متقابل است. پس سعی می‌کند به این کار خود ادامه دهد. اما از طرفی او می‌تواند اعتماد را نقض کند، بدون آنکه همسرش از نقض اعتماد او خبردار شود و همچنان پاداش عمل به اعتماد را از جانب همسرش دریافت کند و با نقض اعتماد، از آن طرف، پاداش‌های بیشتری را دریافت کند. بخصوص، با توجه به قضیه ب‌پرخاشگری-تأیید، چون در این صورت، هنوز همسرش از کار او بی‌اطلاع است و با تنبیه مورد انتظارش مواجه نمی‌شود، احساس خرسندی می‌کند و رفتار مربوط به نقض اعتماد برایش ارزشمندتر می‌شود. نکته اینجا است که همیشه، همه چیز به اندازه کافی شفاف نیست و همه در کارهای خود صداقت ندارند.

پیتر بلا مبادله اجتماعی را از مبادله اقتصادی متفاوت می‌داند و با توجه به اینکه او اعتماد را شرط لازم برای مبادله اجتماعی می‌داند، به طور مستقیم وارد بحث اعتماد شده است. او معتقد

است که مبادله اجتماعی موجب اعتماد می‌شود و اعتماد پایه‌های دوستی را محکم می‌کند و در نتیجه انسجام اجتماعی را بوجود می‌آورد (چلبی، امیرکافی، ۱۳۷۴).

پیتر بلا پاداش‌هایی را که رد و بدل می‌شوند درون‌ذاتی (مانند عشق، محبت و احترام) یا برون‌ذاتی (مانند پول و کار جسمانی) می‌داند و معتقد است که چون طرفین همیشه نمی‌توانند پاداش‌های برابری به یکدیگر بدهند، تفاوت قدرت در داخل گروه پدیدار می‌شود (ریتزر، ۱۳۷۴: ۴۳۵). بدین ترتیب او یک بار دیگر نقش اقتدار را در این مورد یادآور می‌شود.

جیمز کلمن که به طور مفصل‌تر، مشروح‌تر و واضح‌تر از بقیه اعتماد را مورد بررسی قرار داده است. او در کتاب *بنیادهای نظریه اجتماعی* عوامل مؤثر بر اعتماد را شناسایی نموده و در این خصوص تأثیر عواملی چون میزان سود، مدت رابطه (طولانی بودن آن)، گستردگی روابط، میزان شناخت امین، متقابل بودن رابطه، تعهدات و انتظارات و وجود نهادهای اجتماعی پشتیبان را بر اعتماد مورد بحث قرار داده است. ضمناً یادآور می‌شود که داشتن دید حسابرسی و عقلانیت، به دلیل غلبه جنبه‌های عاطفی بر رفتار همسران، برای بررسی موضوع اعتماد و بخصوص اعتماد به همسر کفایت نمی‌کند. به عنوان مثال، شاید برای یک فرد، در صورت نقض اعتماد از جانب همسرش، درپیش‌گرفتن رفتار متقابل، آسان نباشد. یعنی فرد عدم وفاداری همسرش را با عدم وفاداری خودش پاسخ ندهد. حتی مواردی دیده شده است که فردی که از نقض پیمان همسرش آگاهی یافته است، به دلایل مختلفی چون عشق، حفظ منافع فرزندان و... عکس‌العمل شدیدی از خود بروز نداده است.

آنتونی گیدنز در کتاب *تجدد و تشخیص* در بررسی اعتماد، بین اعتماد به اشخاص و اعتماد به نظامها تمایز قائل می‌شود. او در مورد اعتماد به اشخاص، اعتماد را زاینده برقراری رابطه ناب می‌داند. او همچنین عوامل دیگری را چون تجربه اعتماد بنیادین، شرمندگی و مطابقت واکنش دیگران با اندیشه‌های قبلی را بر اعتماد مؤثر می‌داند.

گیدنز در توضیح چگونگی هویت شخصی در جامعه مدرن، به بررسی روابط اجتماعی در این جوامع می‌پردازد و در این راستا اهمیت خاصی برای «رابطه ناب» قائل است و معتقد است که رابطه‌های ناب قبل از هر چیز، در قلمرو ازدواج، رفاقت و دوستی‌های بسیار نزدیک پدید می‌آیند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۴۲). او احساس رضایت عاطفی، اهمیت نفس رابطه، باز بودن رابطه و تداوم آن، تعهد، صمیمیت و خودمانی بودن، اعتماد متقابل و استحکام هویت شخصی از خلال فرآیندهای خودکاو و توسعه خودمانی‌گری را از خصوصیات رابطه ناب می‌داند (همان: ۴۲-۱۳۱).

او همچنین به نقش تجربه اعتماد بنیادین در این خصوص اشاره می‌کند (همان: ۷-۶۳). به این معنی که اگر فردی به دلیل تجربه ناخوشایند کودکی، اعتماد بنیادین خود را از دست داده است، احتمال کمتری دارد که بتواند به همسرش اعتماد نماید، چون او نسبت به همه بی‌اعتماد است.

دانیل. ام. هاوسمن در تحقیق خود با عنوان «اعتماد در تئوری بازی» مکانیزم اعتماد را در بازی دو راهی زندانی مورد بررسی قرار داده است. او که در تحلیل خود منافع شخصی را بر اعتماد مؤثر می‌داند، اهمیت زیادی برای منافع شخصی غیرمادی قائل می‌باشد. هاوسمن دلایلی را بر رد تئوری انتخاب عقلانی و تئوری بازی ارائه می‌دهد و استدلال می‌کند که انگیزه‌های افراد صرفاً مادی نیستند. او به منافع غیرمادی افراد چون خیرخواهی و نوع دوستی، وفاداری، قدرشناسی، پرهیزکاری، شهرت و اعتبار، پیروی از وجدان، معامله به مثل، جاذبه‌های هنجاری، احترام به خود، احترام به دیگران و امنیت احساسی اشاره می‌کند (Hausman, 1997). در مورد اعتماد به همسر نیز انگیزه‌ها بیشتر غیرمادی هستند تا مادی.

مایک بورسل، اعتماد را با استفاده از تئوری شبکه مورد بررسی قرار داده است. او در مورد سطح اعتماد، زمینه اعتماد، جزایر اعتماد، لایه‌های اعتماد و معیارهای اعتماد سخن گفته است. او همچنین در توضیح خود در مورد سطح اعتماد از مفهوم «بی‌اثر بودن» برای مواردی استفاده کرده است که فرد هیچ نظری در مورد موضوع ندارد. او زمینه اعتماد، میزان شناخت، توصیه دیگران، امکانات، منابع، و ارزش را بر سطح اعتماد مؤثر می‌داند (Bursell, 2003). با استفاده از مفاهیمی

که او بکار برده است، می‌توان در مورد اعتماد به شناخت‌هایی دست یافت. جایی که نظر بورسل با تئوری شبکه پیوند می‌خورد، تأکید او بر «توصیه دیگران» است که در چه صورت افراد شبکه می‌توانند به توصیه یکدیگر در مورد اعتماد عمل کنند. اشاره او به مفهوم سطح اعتماد، نشان می‌دهد که اعتماد دارای یک طیف بوده و مطلق نیست و در بررسی آن باید طیفی را از اعتماد کامل تا بی‌اعتمادی کامل در نظر گرفت. با توجه به این مفهوم اعتماد به همسر نیز در یک طیف قابل بررسی خواهد بود.

همچنین با استفاده از توضیحات او در مورد زمینه اعتماد می‌توان دریافت که فرد ممکن است در زمینه‌ای به همسر خود اعتماد کند ولی در زمینه دیگری به او اعتماد نکند. دیگر اینکه، به نظر بورسل، معیارهای اعتماد خیلی پیچیده بوده و با توجه به زمینه‌های اعتماد، معیارهای متفاوتی برای اعتماد کردن وجود دارد که این امر خود دلیل دیگری برای محدود کردن این مطالعه می‌باشد. کاترین ای. رز، جان میروسکی و شاننا پریش، در تحقیق خود با عنوان «بی‌قدرتی و توسعه تهدید» به بررسی عدم اعتماد پرداخته‌اند. آنها اعتماد را تعریف نموده و اهمیت آن را از دیدگاه چند تن از اندیشمندان ذکر نموده‌اند و سپس تئوری توسعه ساختاری عدم اعتماد را در همسایگی‌ها (محله‌ها) بررسی نموده‌اند. آنها عدم اعتماد را در همسایگی‌هایی که منابع کمیاب دارند، تهدید عمومی است و در بین کسانی که برای اجتناب از تهدید احساس قدرتی می‌کنند، مشاهده نمودند. ایشان معتقدند که عدم اعتماد محصول کنش متقابل بین شخص و محیط می‌باشد و محیط آسیب‌زا بعلاوه فرد مضر موجب توسعه عدم اعتماد می‌شود. آنها که تئوری توسعه ساختاری عدم اعتماد را بررسی کرده‌اند، منابع کمیاب، تهدید و عدم اقتدار را از عوامل مؤثر بر عدم اعتماد می‌دانند و معتقدند که بی‌نظمی محله آن را تشدید می‌کند. «بسط ساختاری» مفهومی است که آنها در مورد عدم اعتماد بکار می‌برند و معتقدند که در محلات آسیب‌زا، به دلیل افزایش احساس بی‌قدرتی در بین ساکنین، تأثیر بی‌نظمی محله بر عدم اعتماد توسعه می‌یابد (Ross & al, 2001).

بر این اساس می‌توان گفت چنانچه همسر مورد اعتماد نباشد و محل زندگی نیز آسیب زا باشد، عدم اعتماد به همسر تشدید می‌شود.

دیوید دبلیو ادجرلی در مقاله خود تحت عنوان «اعتماد» سعی کرده است که اعتماد را تعریف کند، او اعتماد را شامل سه مؤلفه می‌داند: انتظار (چشمداشت) دوجانبه، آزمون زمان و پیامدها. او که ما را به انتظارات دوجانبه طرفین توجه می‌دهد، معتقد است که برای اعتماد قراردادی وجود دارد مبنی بر اینکه انتظارات شما چیست و شما خواهان بدست آوردن چه چیزهایی هستید. پس از آن نوبت به ارزیابی قرارداتان در طول زمان می‌رسد و مرحله آخر توجه به پیامدها و بروز عکس‌العملهای مناسب می‌باشد. (Edgerly, 1998).

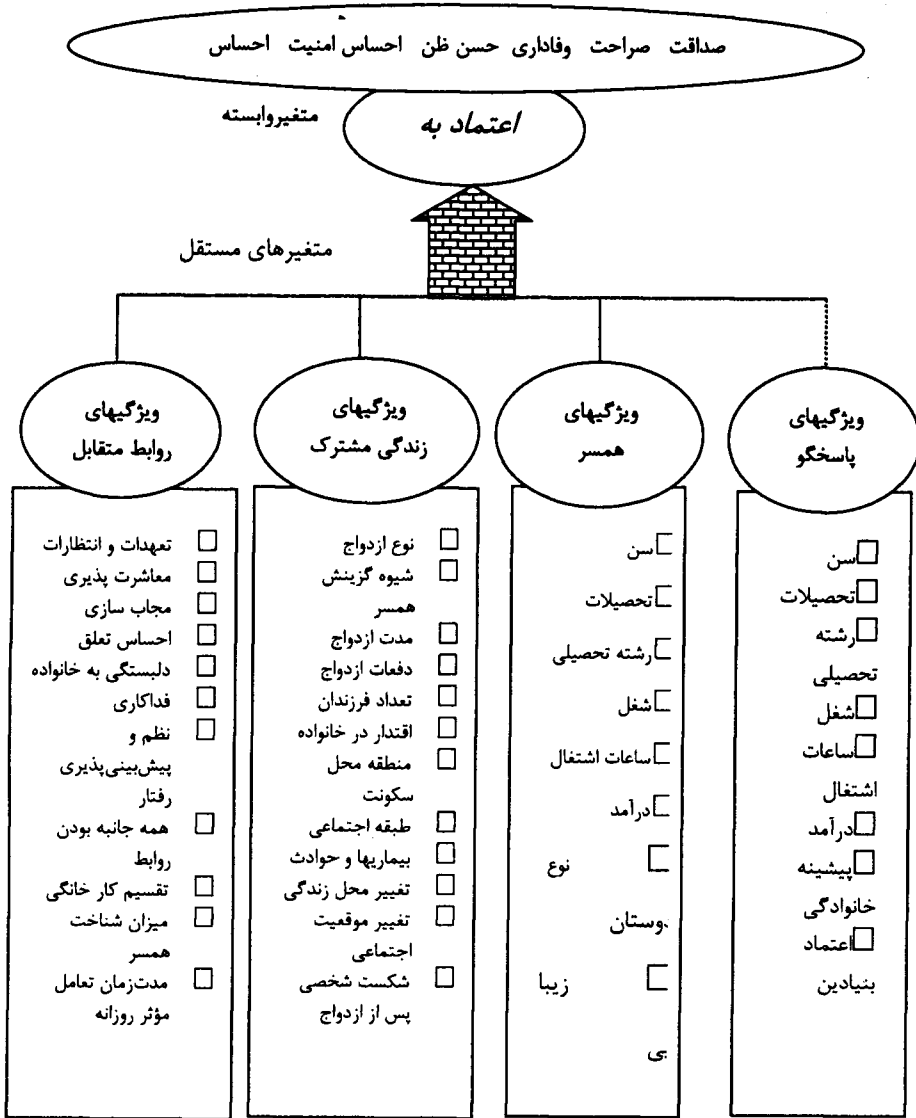
در مورد اعتماد به همسر نیز موارد پیشنهادی ادجرلی می‌تواند مفید واقع شود. قبل از هر چیز همسران باید انتظارات خود را در مورد اعتماد به یکدیگر مشخص نمایند، در طول زمان آن را ارزیابی کنند و واکنش مناسب از خود بروز دهند.

کلاوس ون لمپ و پر ال جانسن، در مقاله خود تحت عنوان "شبکه‌های جرم و اعتماد"، اعتماد را در بین مجرمان سازمان یافته بررسی کرده‌اند. آنها مفهوم سازی‌های اعتماد را در دو بعد طبقه‌بندی کرده‌اند، یکی بعد عقلانی- غیرعقلانی و دیگری تنظیم کردن سطح خرد به کلان می‌باشد. آنها معتقدند که اعتماد در تعریف، بعضی از مؤلفه‌های عقلانی یا غیرعقلانی را شامل می‌شود و فقط مبتنی بر سنجش احتمالات نیست و عواملی همچون احساسات، هیجانات و ارزش‌های فرهنگی را دارا می‌باشد. بعد دوم که مربوط به سطح خرد تا کلان می‌باشد، از اعتماد به اشخاص تا اعتماد به سیستم‌های جامعه تغییر می‌کند. آنها بر این اساس تیپولوژی خود را ارائه نموده و مقولات مختلف اعتماد را از اعتماد فردی، اعتماد توسط یک میانجی، اعتماد به گروه‌ها تا اعتماد نظری توضیح داده‌اند (Lampe & Johnsen, 2003).

آنها در ادامه مجموعه‌های اجتماعی تولیدکننده اعتماد را چنین معرفی نموده‌اند، خانواده، اجتماع محلی، اجتماع قومی و تجارت. نظرات لمپ و جانسن، نظر نظریه‌پردازان مبادله را در مورد بعد عقلانیت صرف در اعتماد رد می‌کند.

جانیس آبراهامز اسپیرینگ و دکتر مایکل اسپیرینگ، «اعتماد در زناشویی» را به طور خاص بررسی کرده‌اند. با وجود دید روان‌شناختی این نویسندگان، اشاره آنها به عوامل مؤثر بر اعتماد به همسر مفید به نظر می‌رسد. عواملی چون بررسی زمانی، بیماری و حادثه، مرگ، تغییر محل زندگی، تغییر موقعیت اجتماعی فرد، شکست شخصی، دگرگونی‌های زمانی و اعتیاد به مواد مخدر، (اسپیرینگ و اسپیرینگ، ۱۳۸۰) که از آنها به عنوان متغیرهای مستقل در تحقیق استفاده شده است

متغیرهای مؤثر بر اعتماد به



روش تحقیق

به منظور بررسی موضوع این پژوهش از روش پیمایشی استفاده شده است. ابتدا مصاحبه‌های اکتشافی از تعدادی زنان در شهر تهران انجام شد و سپس پرسش نامه تهیه گردید. حجم نمونه ۲۸۰ نفر بر اساس آمار زنان متاهل (طبق آمار مرکز آمار ایران) و بر اساس فرمول کوکران به دست آمد. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای (طبقه‌ای و تصادفی سیستماتیک) استفاده شده است و برای پر کردن پرسشنامه به درب منازل مراجعه شده و زنان متاهل (دارای همسر) مورد بررسی قرار گرفتند.

تعداد کل و حجم نمونه، در جدول زیر خلاصه شده است:

جمع	منطقه ۱۸	منطقه ۷	منطقه ۳	
۱۹۱۰۸۱	۶۲۶۷۸	۶۸۲۰۳	۶۰۲۰۰	تعداد زنان متاهل
۲۷۹	۸۷	۱۰۰	۹۲	حجم نمونه

آمار مربوط به تعداد زنان متاهل هر منطقه از آخرین اطلاعات مرکز آمار ایران

استخراج شده است.

فرضیات تحقیق

- ۱- بین ویژگی‌های روابط متقابل زوج و اعتماد زنان به همسر رابطه معنادار وجود دارد.
 - ۲- بین ویژگی‌های زندگی مشترک و اعتماد زنان به همسر رابطه معنادار وجود دارد.
 - ۳- بین ویژگی‌های همسر و اعتماد زنان به همسر رابطه معنادار وجود دارد.
 - ۴- بین ویژگی‌های پاسخگو و اعتماد به همسرشان رابطه معنادار وجود دارد.
- در این بررسی ویژگی‌های پاسخگو و همسر و زندگی مشترک و روابط متقابل متغیرهای مستقل و اعتماد به همسر متغیر وابسته می باشد.

متغیر وابسته: اعتماد به همسر را می‌توان میزان حسن‌ظن زن نسبت به همسر خود تعریف کرد که این امر موجب گسترش و تسهیل روابط صمیمی بین آنها و در نتیجه دوام زندگی خانوادگی آنها می‌شود.

شاخص‌های اعتماد به همسر

برای سنجش میزان اعتماد به همسر از شش شاخص صداقت، صراحت، وفاداری، احساس امنیت، احساس رضایت عاطفی و حسن‌ظن بهره گرفته شده است.

صداقت: تطابق و هماهنگی میان اعمال و گفتار با اعتقادات و گرایش‌های درونی و پرهیز از دروغ‌گویی.

صراحت: شرکت دادن همسر در اطلاعات، عقاید، افکار و احساسات و... است که از طریق آن فرد افکار، احساسات، ترسها و تردیدهای درونی خود را برای همسرش بیان می‌کند و کارهای خود را برای او شفاف می‌سازد.

وفاداری: عمل به تعهدات و انتظارات همسر و خیانت نکردن به او.

احساس امنیت و آرامش: آسودگی خاطر و نداشتن دغدغه، ترس و نگرانی از عدم وفاداری همسر و خیانت به او.

حسن‌ظن: میزان اطمینان فرد به همسرش در موقعیت‌های خطرآفرین.

احساس رضایت عاطفی: احساس خشنودی و خوشحالی از داشتن روابط عاطفی (گرم و صمیمی) با همسر.

هر یک از شاخص‌های فوق با تعدادی گویه سنجش شده است که برای طولانی نشدن مطالب از ذکر آنها خودداری می‌شود.

متغیرهای مستقل:

این متغیرها شامل ویژگی‌های پاسخگو(همسر) زندگی مشترک و روابط متقابل می باشد. شاخص‌های هریک از مولفه‌ها نشان داده شده که به وسیله یک سوال یا چند گویه سنجش شده است.

در مرحله پیش آزمون روایی بعضی از سوالات که قابل قبول نبود موجب حذف آنان گردید و به این صورت پرسشنامه نهایی آماده شد.

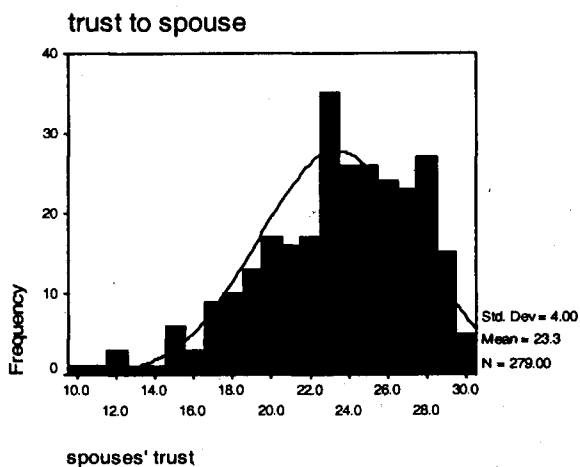
یافته‌های تحقیق

وضعیت شاخص‌های اعتماد به همسر در بین زنان تهرانی

خیلی کم		کم		زیاد		خیلی زیاد		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۴.۹	۱۳	۱۳.۶	۳۶	۴۰.۸	۱۰۸	۴۰.۸	۱۰۸	صداقت
۴.۹	۱۳	۲۶.۱	۷۰	۴۱	۱۱۰	۲۸	۷۵	صراحت
۴.۹	۱۳	۱۶.۱	۴۳	۴۱.۲	۱۱۰	۳۷.۸	۱۰۱	وفاداری
۱.۲	۳	۷	۱۸	۳۲.۶	۸۴	۵۹.۲	۱۵۳	امنیت
۱.۹	۵	۹	۲۴	۳۵.۲	۹۴	۵۳.۹	۱۴۴	حسن ظن
۳.۳	۹	۱۱.۸	۳۲	۲۷.۶	۷۵	۵۷.۴	۱۵۶	رضایت عاطفی

وضعیت اعتماد به همسر در بین زنان تهرانی

برای بدست آوردن میزان اعتماد به همسر هر یک از پاسخ‌گویان، ابتدا میانگین نمرات گویه‌های (۱ تا ۵ نمره‌ای) هر شاخص با هم جمع شد. سپس اعداد حاصل با یکدیگر



جمع شده و میزان اعتماد پاسخگو به همسرش بدست آمد. آمارها و نمودار زیر چگونگی توزیع نمرات اعتماد به همسر را نشان می‌دهند. نتایج نشان داد که میانگین نمرات اعتماد به همسر پاسخگویان $23/4$ بوده و دارای توزیع

آماره‌ها	
۲۳،۳۴	میانگین
۲۳،۷۷	میانه
۲۷،۷	نما
۴،۰	انحراف استاندارد
۹،۸۲	مینیمم
۳۰،۰	ماکزیمم

نزدیک به نرمال می‌باشد. این در حالی است که دامنه تغییر نمرات مذکور بین ۶ تا ۳۰ در نظر گرفته شده بوده است.

جدول زیر توزیع فراوانی نمرات اعتماد به همسر را پس از طبقه‌بندی آنها نشان می‌دهد.

جدول شماره ۶۸- توزیع فراوانی نمرات اعتماد به همسر (در ۴ طبقه)				
	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
خیلی کم	۲	۰,۷	۰,۷	۰,۷
کم	۲۸	۱۰,۰	۱۰,۰	۱۰,۸
زیاد	۱۱۷	۴۱,۹	۴۱,۹	۵۲,۷
خیلی زیاد	۱۳۲	۴۷,۳	۴۷,۳	۱۰۰,۰
جمع	۲۷۹	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

میزان اعتماد به همسر در نزد ۴۷/۳ درصد از پاسخ‌گویان خیلی زیاد، ۴۱/۹ درصد زیاد، ۱۰ درصد کم و ۰/۷ درصد خیلی کم بوده است. در این جا با استفاده از میانگین نمرات، پاسخ‌گویان را به دو گروه تقسیم کردیم و آنان که نمراتشان بالای میانگین بود اعتماد زیاد و آنان که پایین‌تر از میانگین قرار گرفتند اعتماد کم در نظر گرفته شدند. به عبارت دیگر نمرات ۵۳/۸ درصد از افراد در بالای میانگین و ۴۶/۲ درصد از آنها در زیر میانگین قرار داشته است، یعنی میزان اعتماد به همسر در نزد ۵۳/۸ درصد از افراد "زیاد" و ۴۶/۲ درصد از افراد "کم" می‌باشد.

با استنباط میانگین جامعه از روی نمونه، دریافتیم که میانگین نمرات اعتماد به همسر در بین جمعیت نمونه ۲۳,۳۴ شده بود و به احتمال ۹۵٪ میانگین واقعی میزان اعتماد به همسر در جامعه مورد نظر بین ۲۲,۸۶ تا ۲۳,۸۱ بدست آمد. این میانگین نشان می‌دهد که میزان اعتماد به همسر در بین جمعیت نمونه و جامعه، بیشتر از حد متوسط می‌باشد.

هر چند نتیجه‌ی به دست آمده حاکی از توزیع نرمال نمرات اعتماد به همسر پاسخ‌گویان بوده و اوضاع و احوال عادی و معمولی را به ذهن متبادر می‌کند، اما این نتیجه از چند جهت قابل بحث است.

اول این که مردم سعی می‌کنند به دلایل مختلفی مشکلات خانوادگی خود را کتمان کنند و از بیان این مشکلات، بخصوص در نزد افراد غریبه خودداری می‌کنند. حساسیت موضوع و آماده نبودن فضای تحقیق در این گونه مسائل به خوبی آشکار است.

علی‌رغم نکته فوق، با توجه به نقش و اهمیت اعتماد در زندگی خانوادگی که در بخش مربوط توضیح داده شد و از آنجایی که اعتماد ستون خانواده است جای نگرانی وجود دارد، در مورد حدود نیمی از خانواده‌ها (۴۶٪ درصد) که نمره اعتماد به همسرشان زیر میانگین جامعه بوده است، چه می‌توان گفت؟ البته این فقط آمار خانواده‌هایی است که در آنها زنان به شوهر خود اعتماد ندارند و اگر آمار مردانی را نیز که به زن خود اعتماد ندارند، به آنها اضافه نمایم، قطعاً بیشتر می‌شود.

نکته دیگری که لازم است به آن توجه شود، این است که نمرات به دست آمده فقط میزان اعتماد زنان را به شوهر خود نشان می‌دهد، ولی در مورد خیانت همسران چیزی نمی‌گوید. چون در بسیاری از موارد مردان به همسر خود خیانت می‌کنند، بدون آنکه همسرشان خبردار شود و حتی ممکن است همسر چنین مردانی اعتماد خیلی زیادی هم به شوهر خود داشته باشند. البته مواردی هم وجود دارد که مرد به همسر خود خیانت نمی‌کند ولی زنش به او اعتماد ندارد

به علاوه بی‌اعتمادی یا عدم حسن ظن فقط در این خانواده‌ها باقی نمی‌ماند بلکه توسط افراد بی‌اعتماد به دیگران تسری می‌یابد. نزدیکان دوستان و خویشاوندان، در معرض بی‌اعتمادی قرار گرفته و به این شکل جامعه دچار بیماری شده و خانواده‌ها از درون متزلزل و دچار آسیب‌های مختلف می‌شوند. سوال دوم تحقیق شناسایی عوامل مؤثر بر میزان اعتماد به همسر بود که برای یافتن پاسخ آن بر حسب سطح سنجش شاخص‌ها از ضرایب همبستگی اسپیر من پیرسون و کای اسکوتر استفاده شد و برای پیش‌بینی متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل از رگرسیون چند متغیره و برای پیدا کردن میزان اثر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مؤثر از روش تحلیل مسیر استفاده شد. در اینجا هر یک از نتایج مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

جدول بررسی سطح معنی داری رابطه هریک از متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (اعتماد به همسر)

ویژگی‌های پاسخگو		ویژگی‌های همسر		ویژگی‌های زندگی مشترک		ویژگی‌های روابط متقابل	
سطح معنی داری	متغیرها	سطح معنی داری	متغیرها	سطح معنی داری	متغیرها	سطح معنی داری	متغیرها
۰,۰۰۰	تعهدات و انتظارات	۰,۶۴۱	نوع ازدواج	۰,۲۴۸	سن	۰,۶۵۵	سن
۰,۰۰۰	معاشرت پذیری	۰,۰۰۳	شیوه‌گزینش همسر	۰,۴۳۷	تحصیلات	۰,۱۷۱	تحصیلات
۰,۰۰۰	موجب سازی	۰,۷۵۹	مدت ازدواج	۰,۵۰۵	رشته تحصیلی	۰,۹۳۱	رشته تحصیلی
۰,۰۰۰	احساس تعلق	۰,۲۰۳	دفعات ازدواج	۰,۴۱۶	شغل	۰,۷۸۰	شغل
۰,۰۰۰	دلبستگی به خانواده	۰,۲۰۱	تعداد فرزندان	۰,۸۲۳	ساعات اشتغال	۰,۶۹۱	ساعات اشتغال
۰,۰۰۰	فداکاری	۰,۰۰۰	اقتدار در خانواده	۰,۴۵۶	درآمد	۰,۷۸۵	درآمد
۰,۰۰۰	نظم و پیش‌بینی پذیری رفتار	۰,۳۳۰	منطقه محل سکونت	۰,۰۰۰	نوع دوستان	۰,۰۰۴	پیشینه خانوادگی
۰,۰۰۰	همه‌جانبه بودن روابط	۰,۲۸۲	موقعیت اجتماعی	۰,۰۰۰	زیبایی	۰,۰۰۴	اعتماد بنیادین
۰,۰۰۰	تقسیم کار خانگی	۰,۰۹۰	بیماریها و حوادث				
۰,۰۰۰	میزان شناخت همسر	۰,۹۰۸	تغییر محل زندگی				
۰,۰۰۰	مدت تعامل مؤثر روزانه	۰,۸۰۶	تغییر موقعیت اجتماعی				
		۰,۰۰۰	شکست شخصی				

در بررسی روابط هر یک از متغیرهای مستقل با اعتماد به همسر، به طور کلی نتیجه بدست آمده حاکی از این امر است که همه متغیرهای مربوط به ویژگی‌های روابط متقابل (تعهدات و انتظارات، معاشرت‌پذیری، مجاب‌سازی، احساس تعلق، میزان دلبستگی همسر به خانواده، فداکاری، نظم و پیش‌بینی‌پذیری رفتار، همه‌جانبه بودن روابط، همه‌جانبه بودن روابط، تقسیم کار خانگی، میزان شناخت همسر و مدت زمان تعامل مؤثر روزانه) با میزان اعتماد به همسر رابطه معنادار دارند و در بین سایر ویژگی‌ها (ویژگی‌های پاسخگو، ویژگی‌های همسر و ویژگی‌های زندگی مشترک) تنها چند متغیر پیشینه خانوادگی، اعتماد بنیادین، نوع دوستان همسر، زیبایی همسر و اقتدار در خانواده، شیوه‌گزینش همسر و شکست شخصی پس از ازدواج رابطه معناداری را با میزان اعتماد به همسر نشان داده‌اند.

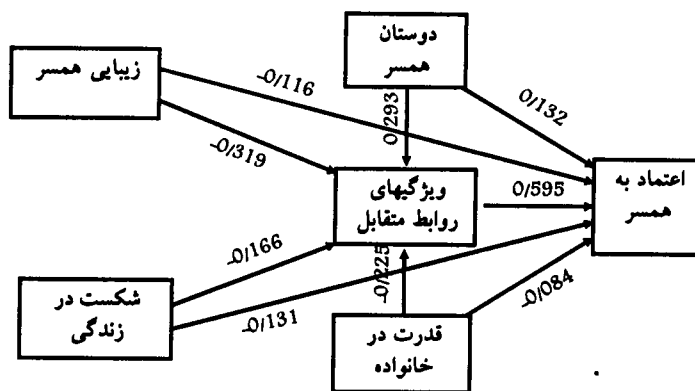
در تحلیل رگرسیون، تنها ۵ متغیر نوع دوستان همسر (X_1)، زیبایی همسر (X_2)، شکست در زندگی پس از ازدواج (X_3)، قدرت در خانواده (X_4) و ویژگی‌های روابط متقابل (X_5) در پیش‌بینی میزان اعتماد به همسر معنادار شده‌اند.

فرمول حاصله از تحلیل رگرسیون را برای پیش‌بینی متغیر وابسته (اعتماد به همسر) به صورت زیر بدست‌آمد:

$$Y = 7,489 + 0,839 X_1 - 0,895 X_2 - 1,387 X_3 - 0,709 X_4 + 0,312 X_5$$

فرمول دیگری که نتیجه تحلیل رگرسیون بود، فرمول مربوط به میزان اثر هر یک از متغیرهای فوق در پیش‌بینی متغیر وابسته (اعتماد به همسر) می‌باشد که از روی بتاها نوشته شد:

$$Y = 0,132X_1 - 0,116X_2 - 0,131X_3 - 0,084X_4 + 0,0595X_5$$



نمودار تحلیل مسیر

بر اساس نمودار فوق، میزان اثرات مستقیم و غیرمستقیم هر یک از متغیرهای مؤثر در

پیش‌بینی متغیر وابسته به شرح ذیل می‌باشد:

- ویژگی‌های روابط متقابل: $0/760$ ، زیبایی همسر: $30/6-$ ، قدرت در خانواده:

$21/78-$ ، نوع دوستان همسر: $16/6$ ، شکست در زندگی: $0/23-$.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی نتیجه‌های به دست آمده نشان داد که میانگین نمرات اعتماد به همسر در میان زنان $23/4$ بوده و با دو گروه کردن آنها $53/8$ در صد از افراد بالاتر از میانگین بوده و $46/2$ در صد آنها پایین‌تر از میانگین قرار دارند. این مسأله بسیار حائز اهمیت می‌باشد. از سویی نتایج مربوط به جداول روابط دومتغیره نشان داد که بین هیچ یک از ویژگی‌های پاسخ‌گویان بجز پیشینه‌ی خانوادگی و اعتماد بنیادین با اعتماد به همسر رابطه معناداری پیدا نشد. به تقریب هر دو متغیر به تجربه‌های قبلی پاسخ‌گو در زمینه کلی اعتماد مربوط می‌شوند. در سوال مربوط به پیشینه

خانوادگی، پاسخ‌گو در مورد میزان اعتماد والدین خود نسبت به هم اظهار نظر نموده است و در مورد اعتماد بنیادین، پاسخ‌گو به میزان اعتماد به مردم پاسخ داده است.

در بخش نظریات توضیح داده شد که اعتماد بنیادین نتیجه‌ی تجربه‌ی دوران کودکی است. در اینجا نتیجه بدست آمده، نقش و اهمیت تجربیات گذشته را بر روی نگرش و شخصیت افراد مورد تأکید قرار می‌دهد. در این خصوص لازم است والدین به این نکته توجه داشته باشند که هم میزان توجه و امنیتی که در دوران کودکی برای بچه‌های خود فراهم می‌آورند و هم میزان اعتمادی که در زندگی زناشویی به همسر خود دارند، نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان اعتماد فرزند خود در آینده خواهد داشت.

می‌توان گفت اهمیت نتایج به دست آمده در مورد متغیرهایی که رابطه معناداری با اعتماد به همسر نداشته‌اند، کمتر از آنهایی نیست که رابطه معنادار را نشان داده‌اند. بر این اساس دریافتیم که بین سن پاسخ‌گو و تحصیلات و اشتغال و میزان درآمد زن و سن مرد میزان تحصیلات و درآمد همسر با میزان اعتماد به همسر، رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. یعنی به نوعی این مسئله بین زنان مشترک بود.

حال ویژگی‌هایی را که با میزان اعتماد به همسر رابطه معنادار داشته‌اند، بررسی می‌کنیم. یکی از این متغیرها نظر پاسخ‌گو نسبت به دوستان همسرش بوده است که با میزان اعتماد به همسر رابطه‌ی مستقیم داشته است. معنی و مفهوم آن اینست که اکثر پاسخ‌گویانی که به همسر خود اعتماد داشته‌اند، نظرشان نسبت به دوستان همسرشان مثبت بوده و آنهایی که به همسرانشان اعتماد نداشته‌اند، نسبت به دوستان همسر خود نیز نظر مثبتی نداشته‌اند. این موضوع همانطور که در علوم اجتماعی به آن توجه شده است، اهمیت نوع دوستان و گروه همسالان را بر روی رفتار و منش افراد، مورد تأکید قرار می‌دهد. بدیهی است وقتی زنی به شوهرش اعتماد نداشته باشد، از دوستان او نیز متفر خواهد بود، چون اولاً "فکر می‌کند که دوستان او هم مثل خودش هستند و ثانیاً" ممکن است فکر کند که این دوستان همسرش هستند که بر رفتار او تاثیر می‌گذارند.

در بین ویژگی‌های همسر، زیبایی همسر از متغیرهایی است که با میزان اعتماد به همسر رابطه معکوس داشته است. احتمالاً این متغیر از آن جهت در کم کردن میزان اعتماد پاسخ‌گویان به همسرشان نقش داشته است که هرچه مردی زیباتر و جذاب‌تر باشد، احتمال بیشتری دارد که زنان دیگر جذب او شوند (بخصوص با گرایش‌های هرچه بیشتر ظاهرپسند مردم که اخیراً رایج شده است) و اگر خود آن مرد نیز راغب به این کار باشد، احتمال خیانت او افزایش می‌یابد.

در بین ویژگی‌های مربوط به زندگی مشترک نیز تنها متغیرهایی که رابطه معناداری را با میزان اعتماد به همسر، نشان داده‌اند، اقتدار در خانواده، شیوه‌گزینش همسر و شکست در زندگی پس از ازدواج بوده‌اند و بقیه متغیرها یعنی نوع ازدواج، مدت ازدواج، دفعات ازدواج، تعداد فرزندان، منطقه محل سکونت، موقعیت اجتماعی خانواده، بیماریها و حوادث زندگی مشترک، تغییر محل سکونت و تغییر موقعیت اجتماعی ربطی به میزان اعتماد به همسر نداشته‌اند.

در بین سه گروه متغیرهایی که تحت عنوان ویژگی‌های پاسخ‌گو، ویژگی‌های همسر و ویژگی‌های زندگی مشترک بررسی شدند، متغیرهایی که ارتباط معناداری را با متغیر وابسته (اعتماد به همسر) نشان داده‌اند، از آن جهت حائز اهمیت هستند که به ما نشان می‌دهند موضوع اعتماد یا عدم اعتماد به همسر یک مسأله مشترک در میان جامعه‌ی آماری مورد بررسی بوده است. یعنی بی‌اعتمادی یک زن نسبت به شوهرش ربطی به سن، تحصیلات، شغل و موقعیت اجتماعی آنها ندارد، با مدت ازدواج، دفعات ازدواج و تعداد فرزندان، بیماری و حادثه و تغییر موقعیت اجتماعی آنها ارتباط ندارد.

در مورد ارتباط ویژگی‌های مربوط به روابط متقابل با اعتماد به همسر، جالب توجه است که همه متغیرهای مورد نظر معنادار شده‌اند و همه این روابط، مثبت (مستقیم) بوده است.

همچنان که نتیجه‌ی روابط دو متغیره نشان داد، بین کلیه متغیرهای مربوط به ویژگی‌های روابط متقابل و اعتماد به همسر رابطه معنی‌دار وجود داشت. این موضوع بسیار حائز اهمیت است، از آن جهت که بر "روابط اجتماعی" به عنوان الفبای جامعه‌شناسی تاکید می‌کند. در حالی که

متغیرهای فردی چون سن، تحصیلات، درآمد، شغل و غیره معنی دار نشده‌اند، اما کلیه متغیرهای مربوط به نوع روابط متقابل بین زن و شوهر با میزان اعتماد به همسر معنی دار شده‌اند.

متغیر مهم دیگری که ارتباط معنی داری با میزان اعتماد به همسر نشان داده است، "قدرت در خانواده" می‌باشد. این رابطه معکوس بوده است، یعنی هر چه میزان قدرت مرد در خانواده بیشتر باشد، میزان اعتماد به همسر کم می‌شود. البته این متغیر با متغیرهای دیگری همبستگی داشته است. می‌توان گفت که به تقریب تمامی متغیرهای مربوط به روابط متقابل نیز می‌تواند تحت تأثیر این عامل باشد و به عکس.

به عنوان مثال توجه به تعهدها و انتظارات همسر می‌تواند تحت تأثیر عامل قدرت در خانواده باشد، به این معنی که اگر روابط بین زوج بر اساس مردسالاری باشد، مرد خود را مقید به تعهدات و برآوردن انتظارات همسرش نمی‌داند و انتظار دارد که اوضاع خانواده آن صورتی باشد که او می‌خواهد.

در مورد مجاب‌سازی، در روابط مبتنی بر مردسالاری، مرد دلیلی نمی‌بیند که با توضیحات روشن خود، همسرش را در مورد رفتارش مجاب نماید.

در مورد پیش‌بینی‌پذیری رفتار همسر، در روابط مبتنی بر قدرت، مرد لزومی نمی‌بیند که به همسرش توضیح بدهد که کی می‌رود و کی می‌آید و کجا است.

همچنین این عامل، همه‌جانبه بودن روابط را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در مورد میزان شناخت همسر نیز، آنچه می‌تواند زمینه را برای شناخت بیشتر زوج فراهم نماید، تفاهم است تا قدرت. بنابراین می‌توان گفت که قدرت در اینجا یک عامل کلیدی است که جا دارد بیشتر به آن پرداخته شود.

از طرفی می‌توان گفت که «قدرت» خود نیز مبتنی بر رابطه متقابل می‌باشد. به بیان دیگر داشتن رابطه مبتنی بر قدرت نیز نوعی رابطه متقابل می‌باشد، اما رابطه‌ای است که بر بسیاری از روابط دیگر اثر می‌گذارد.

به طور کلی ۵۶/۳ درصد از تغییرات متغیر اعتماد به همسر توسط متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیونی تبیین می شوند.

به طور کلی می توان گفت که نتایج این تحقیق بخش‌هایی از نظریات افرادی چون گیدنز، پیتر بلاو، کلمن، هاوسمن، رز و دیگران، ادجرلی، لمپ و جانسن و اسپرینگ و اسپرینگ را تأیید می کند و با نظریات مبادله و بازی همخوانی ندارد. حال مجدداً نظریات مذکور را به ترتیب مرور می کنیم.

در مورد نظریه پردازان مبادله، تا آنجا که انسان را یک موجود سودجوی عاقل می‌پندارند و به تبادل پاداش‌های مادی به عنوان عامل رفتار انسانی توجه می‌کنند، با یافته‌های این تحقیق که «نوع روابط متقابل» را در میزان اعتماد به همسر مؤثر می‌داند، همسو نمی‌باشند. به طور مثال قضایای هومنز را در مورد اعتماد یا نقض اعتماد همسر نمی‌توان کاملاً تحلیل کرد. حتی آنجا که بر اساس نظرات او پاداش عمل به اعتماد موجب افزایش اعتماد می‌شود، در مورد اعتماد به همسر ممکن است در جایی مصداق داشته باشد و در جای دیگر نه.

اما در مورد پیتر بلاو، نتیجه‌ی این تحقیق با نظرات وی در خصوص اعتماد به عنوان شرط لازم برای مبادله اجتماعی و تأکید او بر پاداش‌های درون‌ذاتی (مانند عشق، محبت و احترام) و نقش اقتدار در این خصوص همخوانی دارد.

نظرات کلمن آنجا که بین مدت رابطه، گستردگی روابط، میزان شناخت امین، متقابل بودن رابطه و تعهدها و انتظارها و میزان اعتماد رابطه می‌بیند، با نتایج این تحقیق نیز تأیید می‌شود، ولی در جایی که او به محاسبات ریاضی برای برآورد سود و پاداش‌های مادی می‌پردازد، با نتایج این تحقیق همخوانی ندارد.

از این تحقیق، نظرات آنتونی گیدنز نیز در مورد اعتماد تأیید شد. نظرات گیدنز هم در آنجا که تجربه اعتماد بنیادین را از عوامل مؤثر بر اعتماد می‌داند و هم در جایی که خصوصیات رابطه ناب را چون احساس رضایت عاطفی، اهمیت نفس رابطه، باز بودن رابطه و تداوم آن، تعهد،

صمیمیت و خودمانی بودن مدنظر قرار می‌دهد، تأیید می‌شود. همچنین نظریات او در جایی که در بحث تجاوز جنسی به اقتدار تکیه می‌کند، نیز تأیید می‌شود.

نظریه بازی و تئوری‌های انتخاب عقلانی، همچنان که توسط هاوسمن نیز رد شده است، با یافته‌های این تحقیق همخوانی ندارد. برعکس نظرات هاوسمن که به منافع غیرمادی افراد چون وفاداری، قدرشناسی، امنیت احساسی و... اشاره دارد، در این تحقیق مورد تأیید قرار گرفت.

نظریات مایک بورسل نیز از آن جهت که میزان شناخت را از عوامل مؤثر بر اعتماد می‌داند و نیز از جهتی که معتقد است با توجه به زمینه‌های اعتماد، معیارهای متفاوتی برای اعتماد کردن وجود دارد، تأیید می‌شود.

نظرات رز و دیگران در خصوص عدم اقتدار و توسعه تهدید در تئوری توسعه ساختاری عدم اعتماد با این تحقیق همخوانی دارد.

تأکید ادجرلی بر شناخت انتظارات متقابل در تعریف اعتماد با یافته‌های این تحقیق همخوانی دارد.

نظریات لِمپ و جانسن از آن جهت که بر اعتماد علاوه بر بعد عقلانی، بعد غیرعقلانی نیز قائل شده و نظرات مبادله را در مورد بعد عقلانیت صرف در اعتماد رد می‌کنند، با یافته‌های این تحقیق همخوانی دارد.

در بین همه صاحب‌نظران مورد بحث، تنها افرادی که موضوع اعتماد به همسر را به طور مستقیم مورد مطالعه قرار داده بودند، اسپرینگ و اسپرینگ بودند که در بررسی‌های خود به عواملی چون بیماری و حادثه، مرگ، تغییر محل زندگی، تغییر موقعیت اجتماعی و شکست شخصی اشاره کرده بودند. یافته‌های این تحقیق نظر آنها را در تنها مورد عامل شکست شخصی تأیید نمود و بین سایر عوامل و اعتماد به همسر همبستگی معناداری یافت نشد.

به این ترتیب می‌توان گفت نظراتی که بر جنبه‌های عقلانی و محاسبه سود و زیان در بررسی روابط اعتماد تأکید می‌کنند، در مورد اعتماد به همسر کارایی چندانی ندارند، و بعکس

نظراتی که بر پاداش‌های غیرمادی و نوع روابط اجتماعی تأکید می‌کنند، بیشتر با اعتماد به همسر همساز می‌باشند. چرا؟

روابط همسران از جهات بسیاری با روابط اقتصادی و سیاسی و غیره تفاوت دارد. چون جنبه‌های عاطفی و احساسی بر روابط همسران غلبه دارد. با داشتن دید حسابرسی و عقلانیت نمی‌توان رفتارهای عاطفی را به طور کامل تحلیل نمود. مثلاً دلایلی چون عشق، وفاداری، از خودگذشتگی بخاطر فرزندان و... را نمی‌توان با دلایل اقتصادی یکی دانست. از طرفی به دلایل مختلفی می‌توان توضیح داد که برقراری یک رابطه جنسی با هر نوع رابطه اقتصادی و حتی اجتماعی تفاوت زیادی دارد (بخصوص اینکه این کار در حوزه روابط خانوادگی و همسر باشد. شاید در مورد افرادی که به هر دلیل همسر ندارند و فقط به دنبال ارضای جنسی خود می‌باشند، مسئله فرق کند و برای آنها و طرف مقابلشان حساب سود و زیان جایگاهی داشته باشد). مهمترین تفاوتی که در اینجا مورد نظر است، این است که طبق تعریف ما عمل به اعتماد در این خصوص مستلزم منحصر به فرد بودن این رابطه بین دو نفر است در حالی که یک فرد می‌تواند چندین رابطه اقتصادی یا اجتماعی با افراد مختلف داشته باشد و در هر مورد نیز اعتماد تلقی شود، هر چند که در حوزه روابط اقتصادی و سیاسی نیز مواردی از انحصاری بودن قراردادها را می‌توان مثال زد، از جمله حق چاپ و نشر یک کتاب یا برخی از قراردادهای سیاسی و...

علی‌رغم اینکه تأکید این تحقیق بر روی عوامل درون خانواده می‌باشد، اما در اینجا برای شناخت بهتر موضوع، شمای مختصری از کلیت موضوع ارائه می‌شود.

در اینجا سعی می‌شود متغیرهای مورد نظر این تحقیق با استفاده از مدلی که بودون ارائه کرده است (بودون، ۱۳۷۰: ۴-۱۵۳)، مورد تحلیل قرار گیرد. بر این اساس می‌توان نمودار اثرات برگشتی را به شکل زیر ترسیم نمود:



پیشنهادها

- آگاه‌سازی زوج از نقش هر یک از عوامل مؤثر بر اعتماد به خصوص ویژگی های روابط متقابل (طبق این تحقیق).
- فرهنگ‌سازی در جامعه برای پاسداری از نهاد خانواده و ترغیب مردم به دوری از هوی و هوس با توجه به عواقب و پیامدهای آن.
- فرهنگ‌سازی برای ازدواج تک‌همسری به عنوان بهترین الگوی برقراری رابطه جنسی.
- رفع ابهامات و نواقص مربوط به عقد قرارداد ازدواج در عقدنامه زوج با توجه به تعریف ازدواج¹ و ابعاد زیستی، اقتصادی، عاطفی و نیز روانی و اجتماعی آن و مشخص کردن الزامات تک‌همسری (و احیاناً چندهمسری) در آن همراه با پیش‌بینی مجازات‌های قانونی مربوط به نقض قرارداد، تا زوجین از ابتدا تکلیف خود را بدانند.
- محترم شمردن حق انحصاری همسر در برقراری رابطه جنسی (بخصوص در ازدواج تک‌همسری) و عنایت به حساسیت بیشتر این موضوع با توجه به امکان انتقال بیماری‌های مختلف و پیش‌بینی مجازات‌های قانونی مورد نیاز.
- پیش‌بینی خدمات مشاوره‌ای رایگان برای زوجی که در زمینه روابط جنسی با یکدیگر مشکل دارند.

¹ ازدواج عملی است که پیوند بین دو جنس مخالف را بر پایه روابط پایاپای جنسی، موجب می‌شود (ساروخانی،

فهرست منابع

- اسپرینگ، جیمز آبراهام و مایکل اسپرینگ، (۱۳۸۰). اعتماد در زناشویی. بهزاد رحمتی. انتشارات ساحل.
- اعزازی، شهلا، (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- امیرکافی، مهدی، (۱۳۷۵). اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. پایان نامه در دانشگاه شهید بهشتی.
- اونامونو، میگل د، (۱۳۷۰). درد جاودانگی. بهالالدین خرمشاهی. تهران: نشر البرز.
- بک، آرون، تی، (۱۳۸۲). «عشق کافی نیست». مهدی قراچه‌داغی. روزنامه همشهری ۸۲/۶/۱۱.
- بودون، ریمون، (۱۳۷۰). منطق اجتماعی (روش تحلیل مسائل اجتماعی). ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: جاویدان.
- بی‌نام، (۱۳۷۴). بی‌عنوان. روزنامه همشهری، ۷۴/۶/۵.
- پرسال، پل، (۱۳۷۹). قدرت خانواده. ترجمه فروزان گنجی‌زاده. تهران: دایره.
- پورمحمدی، علی اصغر، (۱۳۷۸). اعتماد به تلویزیون و عوامل مؤثر بر آن. پایان نامه دانشگاه شهید بهشتی.
- خلیلی، مرجان، (۱۳۷۸). تضاد در خانواده. پایان نامه دانشگاه الزهرا.
- رشه، گی، (۱۳۶۷). کنش اجتماعی. ترجمه هما زنجانی‌زاده. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- رشیدپور، مجید، (۱۳۷۸). تحکیم خانواده. تهران: عابد.
- ریتزر، جورج، (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. تهران: علمی.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: سروش.
- کلمن، جیمز، (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۳). دورکیم. ترجمه یوسف اباذری. تهران: خوارزمی

گیدنز، آتونی، (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی

گیدنز، آتونی، ۱۳۷۹. جامعه‌شناسی. منوچهر صبوری. تهران: نشر نی

میشل، آندره، (۱۳۵۴). جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج. ترجمه فرنگیس اردلان. تهران: دانشگاه تهران

منابع انگلیسی

Bursel , Mike. **Trust And Network Theory**,
<http://www.p2ptrust.org/trust/thoughts20030314.html>

Edgerly , david w. **Trust,1998**
<http://www.Untaming.com/ archive9.html>

Hausman , Daniel M. **Trust In Game Theory** ,1997
<http://philisophy.wise.edu/hausman/papers/trust.htm>

Lamp Klaus , **Von and Per ole Johnsen**. Criminal Networks and Trust,2003
<http://people.freenet.de/kvlampe/criminalnetworkstrust.htm>

Ross , Cathrine. E , John Mirowsky and Shana Pribesh. "Powerlessness and The Amplification Of Threat : Neighborhood Disadvantage , Disorderd , and Mistrust". **American Sociological Review** , 2001 , vol. 66 (August : 568-591)

دکتر خدیجه سفیری، دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء تهران.
مؤمنه میرزا محمدی، کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی.